Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

Enforcement Mechanisms of Judicial Assistance (Right to Access Counsel and Interpreter Services) in Iranian Criminal Procedure and Regional Human Rights Instruments

1. Javad Ebrahimnejad: PhD Candidate, Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalus, Iran
2. Mazaher Khajvand*: Department of Criminal Law and Criminology, Nos.C., Islamic Azad University, Noshahr, Iran. Email: mazaher.khajvand@iau.ir (Corresponding Author)
3. Ali Ghorbani: Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalus, Iran
4. Saeed Sam Daliri: Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalus, Iran

ABSTRACT

The purpose of this study is to conduct a comparative analysis of the enforcement guarantees related to the right to free access to legal counsel and interpreter services within Iranian criminal procedure, in comparison with regional human rights standards, including the jurisprudence of the European system, the Inter-American system, the African Commission framework, and Islamic human rights instruments. The central research question examines the extent to which mechanisms addressing violations of these rights in Iran correspond with established international models. Using an analytical–comparative methodology, the study examines provisions of the Iranian Code of Criminal Procedure alongside leading decisions issued by regional human rights bodies and classifies enforcement mechanisms according to their preventive, remedial, or corrective nature. The findings indicate that although, at the normative level, both the right to legal counsel and the right to an interpreter are formally recognized in Iran and broadly aligned with global standards, significant differences exist at the level of enforcement guarantees. Following the 2015 amendment, the sanction for violation of the right to counsel has been limited primarily to disciplinary liability imposed upon the judicial authority. In contrast, within the European and Inter-American systems, violation of this right results in the automatic invalidation of the proceedings and necessitates the adoption of structural remedial measures. Conversely, the right to an interpreter in Iran continues to benefit from comparatively stronger enforcement mechanisms, whereby violations may lead to the exclusion of statements and the potential annulment of judicial decisions, a position more closely aligned with the jurisprudential approach of the European Court of Human Rights. Within the African regional system and Islamic human rights instruments, enforcement measures tend to assume primarily declaratory or corrective characteristics rather than strict invalidating consequences. Overall, the Iranian legal system should move beyond a purely administrative sanctioning model concerning violations of the right to counsel and transition toward a framework in which infringement of the right of access to legal representation directly and automatically undermines the validity of affected procedural stages, allowing restoration through annulment or retrial mechanisms.

Keywords: *Judicial Assistance; Right to Counsel; Right to Interpreter; Enforcement Guarantees; Criminal Procedure; Comparative Law; Structural Reform.*

How to cite: Ebrahimnejad, J., Khajvand, M., Ghorbani, A., & Sam Daliri, S. (2026). Enforcement Mechanisms of Judicial Assistance (Right to Access Counsel and Interpreter Services) in Iranian Criminal Procedure and Regional Human Rights Instruments. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *8*(3), 1-18.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 September 2025
Revise Date: 16 February 2026
Accept Date: 25 February 2026
Publish Date: 23 August 2026

پژوهش‌های تطبیقی فقه،
حقوق و سیاست

ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی ایران و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر

۱. جواد ابراهیم‌نژاد: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا وجرم شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
۲. مظاهر خواجوند*: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.
پست الکترونیک: mazaher.khajvand@iau.ir (نویسنده مسئول)
۳. علی قربانی: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
۴. سعید سام دلیری: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی ضمانت اجرای حق بهره‌مندی رایگان از وکیل و مترجم در آیین دادرسی کیفری ایران با استانداردهای منطقه‌ای حقوق بشر، از جمله دیوان اروپایی، نظام بین‌آمریکایی، کمیسیون آفریقایی و اسناد حقوق بشری اسلامی است. پرسش اصلی آن است که سازوکارهای مقابله با نقض این حقوق در ایران تا چه حد با الگوهای بین‌المللی همخوانی دارند. پژوهش با روش تحلیلی–تطبیقی، مواد قانون آیین دادرسی کیفری ایران را در کنار آرای شاخص نهادهای منطقه‌ای بررسی کرده و ضمانت اجراها را بر اساس ماهیت بازدارنده، ترمیمی یا اصلاحی طبقه‌بندی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند در سطح هنجاری، حق وکیل و مترجم در ایران به رسمیت شناخته شده و با استانداردهای جهانی همسو است، اما در سطح ضمانت اجرا تفاوت قابل توجهی میان این دو حق وجود دارد. پس از اصلاحیه سال ۱۳۹۴، ضمانت اجرای نقض حق وکیل به مجازات انتظامی مقام قضایی محدود شده است، در حالی که در نظام اروپایی و بین‌آمریکایی، نقض این حق موجب بی‌اعتباری خودکار دادرسی و لزوم اتخاذ اقدامات ترمیمی ساختاری می‌شود. در مقابل، حق مترجم در ایران همچنان دارای ضمانت اجرای قوی‌تری است و نقض آن بی‌اعتباری اظهارات و امکان نقض رأی را به دنبال دارد؛ وضعیتی که با الگوی دیوان اروپایی نزدیک‌تر است. در نظام آفریقایی و اسناد اسلامی، ضمانت اجراها بیشتر جنبه اعلامی یا اصلاحی دارند. در مجموع، نظام حقوقی ایران باید از یک سیستم مجازات اداری صرف برای نقض حق وکیل فاصله بگیرد و به سمت سیستمی حرکت کند که در آن، نقض حق دسترسی به وکیل، مستقیماً و به صورت خودکار، اعتبار مراحل دادرسی متأثر از آن را مخدوش ساخته و امکان ترمیم آن از طریق ابطال یا اعاده دادرسی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: *معاضدت قضایی، حق وکیل، حق مترجم، ضمانت اجرا، آیین دادرسی کیفری، حقوق طبیقی، اصلاحات ساختاری.*

نحوه استناددهی: ابراهیم‌نژاد، جواد.، خواجوند، مظاهر.، قربانی، علی.، و سام دلیری، سعید. (۱۴۰۵). ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی ایران و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۸(۳)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ مهر ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۲۷ بهمن ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۶ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ چاپ: ۱ شهریور ۱۴۰۵

مقدمه

حاکمیت قانون در نظام دادرسی کیفری زمانی معنا می‌یابد که حقوق بنیادین متهم در تمامی مراحل رسیدگی مورد احترام قرار گیرد. تحقق عدالت رویه‌ای مستلزم رعایت اصل برابری سلاح‌ها و ایجاد توازن میان اقتدار نهاد تعقیب و حق دفاع متهم از طریق تأمین برابر فرصت‌ها در فرایند دادرسی است. در این چارچوب، دسترسی مؤثر به وکیل و مترجم به‌عنوان ارکان اصلی معاضدت قضایی، نقشی تعیین‌کننده در تضمین دفاع مؤثر ایفا می‌کند؛ حقوقی که نه امتیاز، بلکه الزام قانونی و حقوق بشری محسوب می‌شوند (Mahdavi, 2021). حق بهره‌مندی از وکیل و مترجم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، از جمله ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها به‌صراحت مورد شناسایی قرار گرفته است (Nowak, 2019). معاضدت قانونی به دو دسته بهره مندی از معاضدت وکیل یا مشاور و استفاده از خدمات مترجم شفاهی قابل تقسیم می‌باشد. این تقسیم بندی تلویحاً مورد تأئید دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز قرار گرفته است. اصل استفاده از معاضدت قضایی قانونی از اولین تصادم شخص با دستگاه عدالت کیفری آغاز می‌شود. اصل معاضدت قضایی باید بدون نظارت و مزاحمت مقامات عمومی صورت پذیرد (Ghorbani, 2011). اهمیت این حقوق در مرحله تحقیقات مقدماتی دوچندان است، زیرا اظهارات و ادله‌ای که در این مرحله گردآوری می‌شود، می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر سرنوشت دادرسی داشته باشد و در بسیاری موارد، آثار ناشی از نقض حقوق دفاع به‌سختی قابل جبران است (پرونده سالدوز علیه ترکیه، رأی ۲۰۰۸).[1] با وجود شناسایی حق دسترسی به وکیل و مترجم در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، نحوه اجرای عملی این حقوق و به‌ویژه ضمانت‌اجراهای مترتب بر نقض آن‌ها همچنان محل ابهام است. در عمل، در مواردی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی از دسترسی واقعی و مؤثر به وکیل محروم می‌ماند یا در صورت نیاز به مترجم، خدمات زبانی مناسب در اختیار وی قرار نمی‌گیرد. در چنین شرایطی، ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی ایران عمدتاً ماهیتی شکلی داشته و کمتر به بی‌اعتباری ادله یا ابطال دادرسی منجر می‌شوند. این وضعیت در حالی است که در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، به‌ویژه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، نقض حق دسترسی به وکیل در مراحل اولیه دادرسی می‌تواند به تضعیف اعتبار کل فرایند رسیدگی و حتی بی‌اعتبار شدن دادرسی منجر شود(پرونده ابراهیم و دیگران علیه بریتانیا، رأی۲۰۱۶).[2] همچنین در نظام‌های بین‌آمریکایی، نقض حقوق دفاعی اساسی، زمینه‌ساز الزام دولت به دادرسی مجدد و اصلاحات ساختاری در نظام دادرسی کیفری شده است (پرونده کاستیلو پتروتسی و دیگران علیه پرو، رأی۱۹۹۹).[3] از این رو، فقدان ضمانت اجرای مؤثر در نظام حقوقی ایران موجب ایجاد فاصله میان «حق شناسایی‌شده» و «حق اجراشده» و تضعیف عملی اصل برابری سلاح‌ها می‌شود. ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با وجود تحولات تقنینی اخیر، از جمله طرح‌های اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، هنوز سازوکار مشخص و کارآمدی برای مقابله با نقض حق معاضدت قضایی پیش‌بینی نشده است. سوال مقاله حاضر بدین شکل قابل طرح است که ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی ایران و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر چیست؟ این پژوهش با رویکردی تطبیقی می‌کوشد ضمانت‌اجراهای مقرر در حقوق ایران را با استانداردهای نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، به‌ویژه نظام اروپایی، بین‌آمریکایی و آفریقایی، مقایسه کرده و با شناسایی کاستی‌های موجود، پیشنهادهایی برای اصلاح تقنینی و تقویت اجرای مؤثر حق معاضدت قضایی در ایران ارائه دهد.

1. ECtHR, Salduz v. Turkey, 2008
2. ECtHR, Ibrahim v. UK, 2016
3. CIDH, Castillo Petruzzi Case, 1999

چارچوب مفهومی معاضدت قضایی و اهمیت ضمانت اجرا

حق معاضدت قضایی فراتر از صرف حضور وکیل یا مترجم در دادگاه است؛ این حق جوهره اصل برابری سلاح‌ها و دادرسی عادلانه محسوب می‌شود (Davies, 2017). این حق از یک حمایت صرفاً شکلی در طول دادرسی، به یک حق ماهوی و بنیادین تکامل یافته است. در نظام اروپایی، دیوان حقوق بشر اروپا با تفسیر ماده ۶ کنوانسیون، تأکید دارد که دسترسی به وکیل باید در مراحل اولیه تحقیقات مانند بازداشت و بازجویی تضمین شود، زیرا این مرحله تعیین‌کننده سرنوشت پرونده است(پرونده سالدوز علیه ترکیه در سال۲۰۰۸).[1] توسعه این حق همچنین شامل تعهد دولت به تأمین خدمات ترجمه برای متهمانی است که زبان دادگاه را نمی‌دانند؛ مطابق نظر مشورتی دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر این خدمات باید کیفی و در دسترس باشند تا متهم قادر به درک اتهامات و ارائه دفاع مؤثر باشد.[2] قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ حق داشتن وکیل را در مراحل دادرسی، به‌ویژه در تحقیقات مقدماتی، به رسمیت شناخته است (ماده ۱۸۸). همچنین در خصوص مترجم، قانون بر لزوم استفاده از مترجم برای افراد ناشنوا، نابینا یا کسانی که زبان فارسی نمی‌دانند تأکید کرده است (ماده ۲۰۸). با این حال، اجرای عملی این دسترسی اغلب محدود بوده و تضمینات کافی برای کیفیت خدمات یا دسترسی فوری، به‌ویژه در مراحل اولیه، در عمل محل مناقشه است (Habibi, 2020).

ضمانت اجرا ستون فقرات تحقق یک حق بنیادین محسوب می‌شود. در حقوق تطبیقی، کارکرد ضمانت اجراها به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: الف) ضمانت اجرای بازدارنده: هدف این نوع ضمانت اجرا جلوگیری از نقض حق در آینده توسط مقامات قضایی و انتظامی است. ابطال دادرسی یا بی‌اعتباری ادله جمع‌آوری‌شده به‌طور غیرقانونی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارنده محسوب می‌شود. این رویکرد در رویه قضایی آمریکا و اروپا، به‌ویژه در موارد نقض جدی حقوق بنیادین، مورد توجه است (Davies, 2017). ب) ضمانت اجرای ترمیمی: این ضمانت اجرا با هدف اصلاح وضعیت ایجاد شده پس از نقض حق عمل می‌کند. الزام به دادرسی مجدد از نمونه‌های بارز آن است که در نظام آمریکایی و آفریقایی برای جبران نقص فرایندی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تلاش دارد آثار نقض را تا حد ممکن از بین ببرد. ج) ضمانت اجرای اصلاح ساختاری: این ضمانت اجرا فراتر از پرونده فردی بوده و دولت را ملزم به ایجاد تغییرات سیستمی در رویه‌ها و قوانین می‌کند تا از تکرار نقض پیشگیری شود (ابلاغیه شماره ۲۰۰۱/۰۰۴ (کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و حقوق ملت‌ها).[3] تحلیل تطبیقی این پژوهش بر مبنای این چارچوب نظری انجام خواهد شد تا مشخص شود نظام حقوقی ایران غالباً در کدام دسته از ضمانت‌اجراها قرار می‌گیرد و تا چه میزان از ابزارهای بازدارنده قوی، به‌ویژه در مقایسه با نظام اروپایی، بهره‌مند است.

ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی کیفری ایران

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با هدف تضمین حقوق دفاعی متهم، مقررات مهمی درباره حق برخورداری از وکیل و مترجم پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۳۴۷، متهم حق دارد وکیل انتخاب کند و در صورت عدم تمکن مالی، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است. مطابق تبصره ۲ ماده مزبور، در جرایمی با مجازات سلب حیات یا حبس ابد، حضور وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی الزامی است. همچنین، ماده ۳۴۸ الزام دادگاه به تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم حضور یا معرفی وکیل انتخابی را مقرر داشته و هزینه آن را بر عهده قوه قضائیه گذاشته است (قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۳۴۷ و ۳۴۸). در زمینه دسترسی به پرونده، ماده ۳۵۱ حق

1. ECtHR, Salduz v. Turkey
2. ACHR, Advisory Opinion OC-16/99
3. ACHPR, Communication 004/2001

مطالعه و تهیه تصویر از اوراق پرونده را برای متهم، شاکی و وکلای آنان به رسمیت شناخته است. با این حال، تبصره این ماده و ماده ۱۹۱ استثناهایی مقرر کرده‌اند؛ از جمله منع ارائه تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و جرایم علیه امنیت یا منافی عفت، و اجازه به بازپرس برای صدور «قرار عدم دسترسی» در موارد مغایر با کشف حقیقت. هرچند این مقررات برای حفظ مصالح دادرسی پیش‌بینی شده‌اند، ولی می‌توانند شفافیت و حق دفاع متهم را محدود کنند (مواد ۳۵۱ و ۱۹۱). در خصوص حق همراه داشتن وکیل، تبصره ۱ ماده ۱۹۰ در نسخه اولیه قانون ۱۳۹۲، عدم تفهیم یا سلب این حق را موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌دانست؛ اما اصلاحیه ۱۳۹۴ این ضمانت اجرا را به *مجازات انتظامی درجه سه و هشت* (کسر حقوق یا انفصال موقت) کاهش داد، که به‌زعم اکثر حقوقدانان، با اهمیت این حق تناسبی ندارد. این تغییر در تعارض با ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۰ قرار دارد که سلب حق وکیل را موجب بی‌اعتباری حکم دانسته بود (قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۹۰؛ ماده واحده ۱۳۷۰).

در مورد حق استفاده از مترجم، ماده ۲۰۰ مقرر کرده است که در صورت عدم تسلط طرفین دعوا، شهود یا مطلعان به زبان فارسی، بازپرس باید از میان مترجمان رسمی مورد وثوق، مترجم تعیین کند. ماده ۲۰۱ نیز همین الزام را درباره اشخاص ناشنوا یا فاقد قدرت تکلم بیان کرده است. در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز، مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ حق برخورداری از مترجم رسمی یا مورد وثوق را برای متهم، شاکی و شهود تضمین می‌کند. عدم رعایت این مقررات می‌تواند به بی‌اعتباری دادرسی و نقض حق دفاع بیانجامد (مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸). در مجموع، هرچند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیشرفت قابل‌توجهی در شناسایی حق دفاع از طریق وکیل و مترجم داشته است، ضعف ضمانت اجرا در اصلاحیه ۱۳۹۴ و اعطای اختیارات گسترده برای محدودسازی دسترسی به پرونده، موجب تضعیف عملی این حقوق شده و نیازمند بازنگری قانون‌گذار در جهت تقویت ضمانت اجراهای مؤثرتر است (Nourbaha, 2021).

ضمانت اجرای معاضدت قضایی در آیین دادرسی کیفری ایران، ناظر به حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم، به‌طور مشخص در مواد قانونی جاری پیش‌بینی شده است. در خصوص حق وکیل، طبق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری پس از اصلاحیه ۱۳۹۴، سلب حق متهم برای داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق توسط مقام قضایی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و برای قاضی متخلف مجازات انتظامی درجه سه (کسر حقوق تا یک‌سوم از یک تا شش ماه) یا درجه هشت (انفصال موقت از یک تا شش ماه) مقرر است؛ در حالی‌که پیش از اصلاحیه، بر مبنای تبصره ۱ ماده ۱۹۰ و ماده واحده مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، محروم‌سازی از وکیل موجب بی‌اعتباری تحقیقات و حکم بود که این ضمانت اجرا در اصلاحیه حذف و به ضمانت انتظامی تقلیل یافت. افزون بر این، در جرایم مشمول ماده ۳۴۷ و تبصره ۲ آن (از جمله جرایم با مجازات سلب حیات یا حبس ابد) عدم تعیین وکیل تسخیری در مراحل لازم، در رویه قضایی به‌عنوان نقص تحقیقات تلقی و می‌تواند موجب نقض رأی در مرجع بالاتر شود. در خصوص حق مترجم رایگان، بر اساس مواد ۱۹۵ و ۳۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگاه متهم یا اصحاب دعوا قادر به تکلم یا فهم زبان فارسی نباشند و مترجم رسمی یا مورد وثوق برای آنان تعیین نشود، اظهارات مأخوذه و جریان دادرسی فاقد اعتبار بوده و رأی صادره قابلیت نقض دارد؛ همچنین مطابق ماده ۲۰۱ برای ناشنوایان یا افراد فاقد قدرت تکلم تعیین مترجم ویژه الزامی است و عدم رعایت آن دادرسی را مخدوش و قابل نقض می‌سازد. بنابراین، ضمانت اجرا در حوزه وکیل عمدتاً انتظامی برای مقام قضایی و در موارد خاص موجب نقص تحقیقات و نقض رأی، و در حوزه مترجم ضمانت اجرای شکلی با بی‌اعتباری اظهارات و قابلیت ابطال رأی و اعاده رسیدگی است (Taha & Ashrafi, 2007).

ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به حق دسترسی به وکیل و مترجم، بر مبنای دفاع مؤثر و برابری سلاح‌ها شکل گرفته است. این رویکرد، چارچوب عملی‌تری برای ارزیابی شکاف‌های ساختاری فراهم می‌کند.

دیوان اروپایی حقوق بشر بر این نظر است که محرومیت از دسترسی به وکیل در مراحل اولیه تحقیقات، نقض خودکار ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌شود، مگر در شرایط استثنایی و موقتی که با دلایل واضح توجیه شود(پرونده آندولفی علیه ایتالیا، رأی۲۰۰۳).[1] این رویکرد بر ضرورت دسترسی فوری به وکیل تأکید دارد. هرچند ممکن است دولت‌ها در موقعیت‌های خاص مجاز به ایجاد تأخیر کوتاه‌مدت باشند، چنین تأخیری نباید به‌گونه‌ای باشد که توانایی برنامه‌ریزی و توسعه دفاع مؤثر را تضعیف کند. رویه دیوان در پرونده(سالدوز علیه ترکیه ،۲۰۰۸)،[2] نشان می‌دهد که حتی یک محرومیت چندساعته در آغاز بازداشت که تحت شرایط فشار و آسیب‌پذیری متهم رخ داده، نقض ماده ۶ است (Lutz, 2018). این زمان، مهم‌ترین مرحله برای شکل‌گیری استراتژی دفاعی است و بنابراین حمایت حقوقی فوری الزامی است. دیوان همچنین در ارزیابی پرونده‌ها، به ماهیت و تأثیر عملی نقض توجه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر نقض به حدی شدید باشد که عدالت دادرسی را در کل فرآیند مختل کند، صرف اثبات نقض برای تحمیل مسئولیت بر دولت کافی است (پرونده پکمزوف علیه بلغارستان (دیوان اروپایی حقوق بشر،۲۰۰۹).[3] به طور کلی، دیوان اروپایی حقوق بشر از کشورهای عضو می‌خواهد تا با تضمین دسترسی بدون وقفه به وکلا، از نقض حقوق دفاعی جلوگیری و عدالت دادرسی را تضمین کنند. این رویکرد، کشورهای عضو را ملزم به شناسایی و رفع هرگونه موانع ساختاری می‌کند تا حقوق متهمان به‌طور کامل محقق شود و اعتماد عمومی به نظام دادرسی افزایش یابد (Ghorbanzadeh, 2015).

در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، ضمانت اجرای نقض حق مترجم بر اساس ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به‌ویژه بند ۳ این ماده، شکل گرفته است. مطابق ماده ۶(۳)(الف)، هر متهم باید «در اسرع وقت و به زبانی که می‌فهمد، از ماهیت و علت اتهام علیه خود آگاه شود» و بر اساس ماده ۶(۳)(هـ)، از «معاضدت رایگان مترجم در صورتی که زبان دادگاه را نفهمد یا نتواند به آن تکلم کند» برخوردار باشد. دیوان این دو بند را به‌صورت توأمان و در پرتو اصل دادرسی عادلانه تفسیر می‌کند.

دیوان تصریح کرده است که اگر متهم قادر به فهم دقیق و کامل اتهامات نباشد، حق دفاع مؤثر او به‌طور بنیادین نقض می‌شود. در پرونده (لودیکه، بلکاسم و کوچ علیه آلمان،۱۹۷۸)،[4] دیوان اعلام کرد که حق مترجم نباید به‌عنوان یک تسهیل شکلی تلقی شود، بلکه یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه است و دولت‌ها نمی‌توانند هزینه‌های ترجمه را بر عهده متهم بگذارند. این رویکرد در رأی (کاماچینسکی علیه اتریش،۱۹۸۹)، تکمیل شد؛ جایی که دیوان تأکید کرد حق مترجم صرفاً به ترجمه شفاهی در جلسه دادگاه محدود نیست، بلکه شامل ترجمه یا حداقل تبیین مؤثر اسناد و مدارک اساسی پرونده نیز می‌شود، به‌گونه‌ای که متهم بتواند روند دادرسی و محتوای اتهام را درک کرده و دفاع خود را به‌طور واقعی سامان دهد (Saber, 2009).

افزون بر این، دیوان بر تعهد دولت به تأمین مترجم با سرعت و کیفیت مناسب تأکید دارد. فراهم کردن مترجم نباید موجب تأخیر غیرموجه در رسیدگی شود و در عین حال، ترجمه ارائه‌شده باید به اندازه‌ای دقیق باشد که متهم در وضعیت نابرابر قرار نگیرد. هرچند دیوان معیارهای فنی سخت‌گیرانه‌ای برای ارزیابی صلاحیت مترجم وضع نکرده است، اما در مجموع بررسی می‌کند که آیا ترجمه انجام‌شده در عمل امکان

---

1. Andolfi v. Italy, 2003
2. Salduz v. Turkey
3. Pekmezov v. Bulgaria (Application No. 47135/99), Judgment of 11 April 2009.
4. Luedicke, Belkacem and Koç v. Germany (1978)

مشارکت مؤثر متهم در دادرسی را فراهم کرده است یا خیر. بنابراین، در صورتی که نقص در ترجمه یا تأخیر در تأمین مترجم به‌گونه‌ای باشد که عدالت دادرسی در کلیت خود مخدوش شود، دیوان صرف احراز این تأثیر را برای احراز نقض ماده ۶ کافی می‌داند. این رویکرد نشان می‌دهد که ضمانت اجرای حق مترجم در نظام اروپایی، ماهیتی عملی و بازدارنده دارد و به‌طور مستقیم با اعتبار کل فرایند دادرسی پیوند خورده است.

ضمانت اجرای معاضدت قضایی (حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و مترجم) در رویه کنوانسیون بین آمریکایی حقوق بشر

در نظام کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق معاضدت قضایی، شامل حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه شناسایی شده و ضمانت اجرای نقض آن در رویه نهادهای بین‌آمریکایی، به‌ویژه دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر، ماهیتی ماهوی، ترمیمی و اصلاح‌محور دارد. مبنای حقوقی این حق در ماده ۸ کنوانسیون، تحت عنوان «تضمین‌های قضایی»، مقرر شده است. مطابق ماده ۸(۲)(d)، هر متهم حق دارد «از کمک وکیل منتخب خود یا وکیلی که به‌طور رایگان توسط دولت تعیین می‌شود، برخوردار باشد، چنانچه متهم خود وکیل انتخاب نکرده باشد»، و بر اساس ماده ۸(۲)(a)، باید «با کمک مترجم یا مفسر، در صورتی که زبان دادگاه را نفهمد یا نتواند به آن تکلم کند»، از ماهیت و علت اتهام آگاه شود.

دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در تفسیر این مقررات تصریح کرده است که حق دسترسی رایگان به وکیل و مترجم، محدود به مرحله رسیدگی قضایی نیست، بلکه از نخستین لحظات محرومیت از آزادی و آغاز تحقیقات کیفری لازم‌الاجرا است. در رأی شاخص(کاستیلو پتروتسی و دیگران علیه پرو۱۹۹۹)،[1] دیوان اعلام کرد که محاکمه متهمان بدون دسترسی مؤثر به وکیل و بدون امکان فهم زبان دادرسی، نقض جدی ماده ۸ کنوانسیون است و چنین نقضی، کل فرایند دادرسی را از حیث عدالت و مشروعیت مخدوش می‌کند. دیوان در این پرونده تأکید کرد که معاضدت قضایی، به‌ویژه در پرونده‌های کیفری، یک حق شکلی صرف نیست، بلکه شرط تحقق دفاع مؤثر است.

در خصوص حق مترجم، دیوان بین‌آمریکایی رویکردی حمایتی و مبتنی بر اصل برابری واقعی اتخاذ کرده است. در پرونده (تیبی علیه اکوادور،۲۰۰۴)،[2]دیوان اعلام نمود که عدم تأمین مترجم برای متهمی که زبان رسمی دادرسی را به‌طور کامل درک نمی‌کند، حتی اگر برخی تشریفات آیین دادرسی رعایت شده باشد، منجر به نقض حق دفاع و اصل برابری سلاح‌ها می‌شود. این رویکرد در پرونده(فرناندس اورتگا و دیگران علیه مکزیک،۲۰۱۰)،[3] گسترش یافت؛ جایی که دیوان تأکید کرد تعهد دولت به فراهم کردن مترجم باید به‌گونه‌ای اجرا شود که مشارکت واقعی و مؤثر فرد در فرایند دادرسی تضمین شود و صرف پیش‌بینی صوری این حق در قانون داخلی کافی نیست.

از حیث ضمانت اجرا، نظام بین‌آمریکایی ویژگی متمایزی نسبت به نظام اروپایی دارد. دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر، علاوه بر اعلام نقض ماده ۸ کنوانسیون، معمولاً دولت‌ها را به اتخاذ اقدامات ترمیمی و اصلاحات ساختاری ملزم می‌کند. این اقدامات می‌تواند شامل تجدید دادرسی یا بی‌اعتباری محکومیت صادره، پرداخت غرامت مادی و معنوی، اصلاح قوانین و رویه‌های آیین دادرسی کیفری، و آموزش قضات، دادستان‌ها و ضابطان قضایی در زمینه حق دسترسی رایگان به وکیل و مترجم باشد(کاستیلو پتروتسی علیه پرو (جبران خسارت، ۱۹۹۹) و تیبی علیه اکوادور (جبران خسارت،۲۰۰۴).[4] بدین ترتیب، ضمانت اجرای نقض حق معاضدت قضایی در نظام بین‌آمریکایی، صرفاً جنبه اعلامی ندارد، بلکه با هدف پیشگیری از تکرار نقض و تضمین اجرای مؤثر حقوق دفاعی، واجد ماهیتی پیشگیرانه و ساختاری است (González, 2019).

---

1. Castillo Petruzzi et al. v. Peru (1999)
2. Tibi v. Ecuador (2004)
3. Fernández Ortega et al. v. Mexico (2010)
4. IACtHR, Castillo Petruzzi v. Peru, Reparations, 1999؛ Tibi v. Ecuador, Reparations, 2004.

در مجموع، رویه کنوانسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر نشان می‌دهد که حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم، به‌عنوان شرط لازم تحقق دادرسی ع پرونده (تیبی علیه اکوادور،۲۰۰۴)،[1] دیوان اعلام نمود که عدم تأمین مترجم برای متهمی که زبان رسمی دادرسی را به‌طور کامل درک نمی‌کند، حتی اگر برخی تشریفات آیین دادرسی رعایت شده باشد، منجر به نقض حق دفاع و اصل برابری سلاح‌ها می‌شود. این رویکرد در پرونده(فرناندس اورتگا و دیگران علیه مکزیک،۲۰۱۰)،[2] گسترش یافت؛ جایی که دیوان تأکید کرد تعهد دولت به فراهم کردن مترجم باید به‌گونه‌ای اجرا شود که مشارکت واقعی و مؤثر فرد در فرایند دادرسی تضمین شود و صرف پیش‌بینی صوری این حق در قانون داخلی کافی نیست (Medina Quiroga, 2003).

از حیث ضمانت اجرا، نظام بین‌آمریکایی ویژگی متمایزی نسبت به نظام اروپایی دارد. دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر، علاوه بر اعلام نقض ماده ۸ کنوانسیون، معمولاً دولت‌ها را به اتخاذ اقدامات ترمیمی و اصلاحات ساختاری ملزم می‌کند. این اقدامات می‌تواند شامل تجدید دادرسی یا بی‌اعتباری محکومیت صادره، پرداخت غرامت مادی و معنوی، اصلاح قوانین و رویه‌های آیین دادرسی کیفری، و آموزش قضات، دادستان‌ها و ضابطان قضایی در زمینه حق دسترسی رایگان به وکیل و مترجم باشد (کاستیلو پتروتسی علیه پرو (جبران خسارت، ۱۹۹۹) و تیبی علیه اکوادور (جبران خسارت،۲۰۰۴).[3] بدین ترتیب، ضمانت اجرای نقض حق معاضدت قضایی در نظام بین‌آمریکایی، صرفاً جنبه اعلامی ندارد، بلکه با هدف پیشگیری از تکرار نقض و تضمین اجرای مؤثر حقوق دفاعی، واجد ماهیتی پیشگیرانه و ساختاری است (Burgorgue-Larsen & Úbeda de Torres, 2011).

در مجموع، رویه کنوانسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر نشان می‌دهد که حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم، به‌عنوان شرط لازم تحقق دادرسی عادلانه تلقی می‌شود و هرگونه نقض آن، نه‌تنها مسئولیت بین‌المللی دولت را به دنبال دارد، بلکه مستلزم بازنگری در ساختارها و سازوکارهای داخلی برای تضمین دسترسی واقعی و مؤثر به معاضدت قضایی است.

ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم) در منشور آفریقایی حقوق بشر

در نظام آفریقایی حقوق بشر، حق معاضدت قضایی در منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق ملت‌ها به‌طور غیرصریح و حداقلی شناسایی شده است. برخلاف کنوانسیون اروپایی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، متن منشور آفریقایی هیچ حکمی درباره «حق برخورداری رایگان از وکیل» یا «حق برخورداری رایگان از مترجم» پیش‌بینی نمی‌کند و تنها چارچوب عمومی دادرسی منصفانه را ترسیم می‌نماید. ستون هنجاری اصلی، ماده ۷(۱) منشور است که به‌طور کلی حق «شنیده شدن دعوا» و تضمینات اساسی دادرسی کیفری را مقرر می‌دارد. مطابق ماده ۷(۱)(a)، هر فرد حق دارد دعوای او توسط مرجع صالح، مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود؛ بند ۷(۱)(b) بر فرض بی‌گناهی تأکید می‌کند؛ بند ۷(۱)© تصریح دارد که هر شخص حق دارد «از خود شخصاً یا توسط وکیل منتخب خود دفاع کند»؛ و بند ۷(۱)(d) حق تجدیدنظر را مطابق قوانین ملی به رسمیت می‌شناسد[4]. همان‌گونه که از متن برمی‌آید، منشور صرفاً از «وکیل منتخب» نام می‌برد و هیچ اشاره‌ای به تعهد دولت‌ها برای تأمین وکیل یا مترجم رایگان ندارد.

دامنه عملی حق معاضدت قضایی از جمله الزام به معاضدت حقوقی رایگان در موارد فقر یا آسیب‌پذیری و نیز دسترسی به تفسیر و ترجمه تخصصی، عمدتاً از طریق تفسیر تکمیلی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها توسعه یافته است. سند تفسیری «اصول و رهنمودهای حق

1. Tibi v. Ecuador (2004
2. Fernández Ortega et al. v. Mexico (2010
3. IACtHR, Castillo Petruzzi v. Peru, Reparations, 1999؛ Tibi v. Ecuador, Reparations, 2004.
4. ACHPR, Art. 7(1)(a–d)

محاکمه عادلانه و معاضدت حقوقی در آفریقا»(کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، اصول و رهنمودهای مربوط به حق دادرسی عادلانه و معاضدت حقوقی در آفریقا، ۲۰۰۳)،[1] مقرر می‌کند که دولت‌ها باید در مواردی که فرد توانایی مالی برای انتخاب وکیل ندارد یا به‌دلیل وضعیت آسیب‌پذیر دسترسی مؤثر به دفاع ندارد، معاضدت حقوقی مؤثر از جمله رایگان فراهم آورند، و در صورت ناآشنایی با زبان دادرسی، از بدو بازداشت دسترسی به مترجم واجدصلاحیت و بی‌طرف تضمین شود. این استانداردها در «رهنمودهای شرایط بازداشت، نگهداری پلیسی و بازداشت پیش از محاکمه در آفریقا» موسوم به رهنمودهای لواندا (۲۰۱۴) عملیاتی شده و تصریح می‌کنند که تأخیر ناموجه در دسترسی به وکیل یا مترجم، به‌ویژه در مراحل آغازین بازداشت و تحقیق، ناقض حق دفاع مؤثر و دادرسی منصفانه است (Zhang, 2009).

در رویه کمیسیون، ضمانت اجراها عمدتاً ماهیت اعلامی و اصلاحی دارند: کمیسیون اعلام نقض می‌کند، توصیه به اقدامات جبرانی فردی (مانند تجدید رسیدگی منصفانه در صورت مخدوش شدن دفاع) و اصلاحات ساختاری (تقویت نظام معاضدت حقوقی عمومی، تعیین معیار استحقاق، تأمین بودجه پایدار، پروتکل‌های دسترسی از بدو بازداشت، آموزش ضابطان و قضات، و استانداردسازی ترجمه قضایی) ارائه می‌دهد. برای نمونه، در (کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، بنیاد منابع حقوقی علیه زامبیا، شکایت شماره ۹۸/۲۱۱، رأی ۲۰۰۱.)،[2] فقدان دسترسی مؤثر به وکیل ناقض ماده ۷(۱)© شناخته شد و دولت به اصلاح نظام معاضدت حقوقی توصیه گردید؛ و در (کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، دفتر حقوقی غازی سلیمان علیه سودان، شکایت‌های شماره ۹۸/۲۲۲ و ۹۹/۲۲۹، رأی ۲۰۰۳.)،[3]محدودیت تماس و مشاوره با وکیل در مراحل اولیه بازداشت نقض حق دفاع تشخیص داده شد و الزام به تضمین تماس فوری با وکیل مورد تأکید قرار گرفت. برخلاف الگوی اروپایی که گاه به ابطال‌محوری و آثار مستقیم بر دادرسی می‌انجامد، کمیسیون آفریقایی اختیار ابطال احکام داخلی را ندارد؛ اما اعلام نقض و توصیه‌های اصلاحی آن، از طریق سازوکار گزارش‌دهی ادواری، پیگیری‌های موضوعی و فشار هنجاری، دولت‌ها را به ترمیم فردی و اصلاحات سیستمی سوق می‌دهد.

در مجموع، متن منشور آفریقایی در ماده ۷(۱)(a–d) حق دفاع و دادرسی منصفانه را به‌صورت کلی تضمین می‌کند و تنها به «وکیل منتخب» اشاره دارد؛ حق «وکیل رایگان» و «مترجم رایگان» در متن منشور نیامده و از طریق اسناد تفسیری کمیسیون (۲۰۰۳) و رهنمودهای لواندا (۲۰۱۴) به‌عنوان تعهدات اجرایی مشخص تبیین شده‌اند. این تمایز، بنیاد تحلیل تطبیقی ضمانت اجرا در نظام آفریقایی (اعلامی–اصلاحی) در برابر مدل‌های اروپایی (ابطالی) و بین‌آمریکایی (ترمیمی–ساختاری) را تشکیل می‌دهد.

ضمانت اجرای معاضدت قضایی(حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم) در اسناد حقوق بشری کشورهای اسلامی

در اسناد حقوق بشری اسلامی، حق دسترسی به معاضدت قضایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه به‌صورت یکسان و صریح مورد شناسایی قرار نگرفته و میزان تصریح و ضمانت اجرای آن در اسناد مختلف تفاوت معناداری دارد. اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰) که توسط «سازمان کنفرانس اسلامی» تصویب شده است، ماهیتی اعلامی و غیرالزام‌آور دارد و اگرچه به اصول دادرسی منصفانه و حق دفاع اشاره می‌کند، اما هیچ تصریح مستقیمی نسبت به حق برخورداری از وکیل یا مترجم (اعم از رایگان یا غیررایگان) در متن رسمی آن وجود ندارد. تنها مقرره مرتبط در این سند ماده ۱۹ است که تصریح می‌کند: «هیچ‌کس را نمی‌توان بازداشت یا مجازات کرد مگر بر اساس حکم شرعی، و هر متهمی بی‌گناه دانسته می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او در محاکمه‌ای عادلانه که تمام تضمینات دفاع را فراهم می‌کند

1. Principles and Guidelines on the Right to a Fair Trial and Legal Assistance in Africa, 2003
2. Legal Resources Foundation v. Zambia (Comm. No. 211/98, 2001)
3. Law Office of Ghazi Suleiman v. Sudan (Comm. Nos. 222/98 & 229/99, 2003)

اثبات شود» (سازمان همکاری اسلامی، اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام، ۱۹۹۰، ماده ۱۹)،[۱] در نسخه انگلیسی رسمی نیز آمده است: "(سازمان همکاری اسلامی، اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام، ۱۹۹۰)،[۲]هرچند عبارت «تمام تضمینات دفاع» می‌تواند به طور موسع حق مشاوره حقوقی یا کمک مترجم را دربر گیرد، اما در رویه و تفاسیر رسمی سازمان همکاری اسلامی هیچ تعهد ایجابی صریح در این زمینه ایجاد نشده است (Evans, 2012).

در مقابل، من حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰) که توسط «سازمان کنفرانس اسلامی» تصویب شده است، ماهیتی اعلامی و غیرالزام‌آور دارد و اگرچه به اصول دادرسی منصفانه و حق دفاع اشاره می‌کند، اما هیچ تصریح مستقیمی نسبت به حق برخورداری از وکیل یا مترجم (اعم از رایگان یا غیررایگان) در متن رسمی آن وجود ندارد. تنها مقرره مرتبط در این سند ماده ۱۹ است که تصریح می‌کند: «هیچ‌کس را نمی‌توان بازداشت یا مجازات کرد مگر بر اساس حکم شرعی، و هر متهمی بی‌گناه دانسته می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او در محاکمه‌ای عادلانه که تمام تضمینات دفاع را فراهم می‌کند اثبات شود» ().[۳] در نسخه انگلیسی رسمی نیز آمده است: (سازمان همکاری اسلامی، اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام،۱۹۹۰)،[۴]"هرچند عبارت «تمام تضمینات دفاع» می‌تواند به طور موسع حق مشاوره حقوقی یا کمک مترجم را دربر گیرد، اما در رویه و تفاسیر رسمی OIC هیچ تعهد ایجابی صریح در این زمینه ایجاد نشده است (Evans, 2012).

در مقابل، منشور عربی حقوق بشر (۲۰۰۴) که توسط شورای وزیران خارجه اتحادیه عرب تصویب و از سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است (*مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد*،۲۰۰۸).[۵] تنها سند الزام‌آور در میان کشورهای اسلامی و عربی است که به‌صورت روشن به موضوع معاضدت قضایی پرداخته است. ماده ۱۶ این منشور مقرر می‌دارد که هر شخص بازداشت‌شده حق دارد فوراً از دلایل بازداشت خود مطلع شود و با خانواده و وکیلش تماس بگیرد، و در تمام مراحل تحقیق و دادرسی از کمک وکیل بهره‌مند باشد؛ همچنین در صورت ناتوانی مالی، دولت مکلف است وکیل تسخیری برای دفاع از او فراهم کند. افزون بر این، هرکس در برابر دادگاه حاضر می‌شود ولی زبان دادرسی را نمی‌داند، حق بهره‌مندی از خدمات مترجم را دارد(اتحادیه کشورهای عرب،۲۰۰۴).[۶] عرب تصویب و از سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است(مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد،۲۰۰۸).[۷] تنها سند الزام‌آور در میان کشورهای اسلامی و عربی است که به‌صورت روشن به موضوع معاضدت قضایی پرداخته است. ماده ۱۶ این منشور مقرر می‌دارد که هر شخص بازداشت‌شده حق دارد فوراً از دلایل بازداشت خود مطلع شود و با خانواده و وکیلش تماس بگیرد، و در تمام مراحل تحقیق و دادرسی از کمک وکیل بهره‌مند باشد؛ همچنین در صورت ناتوانی مالی، دولت مکلف است وکیل تسخیری برای دفاع از او فراهم کند. افزون بر این، هرکس در برابر دادگاه حاضر می‌شود ولی زبان دادرسی را نمی‌داند، حق بهره‌مندی از خدمات مترجم را دارد.[۸] با وجود این پیشرفت هنجاری، نظام ضمانت اجرای منشور عربی محدود است و تنها از طریق کمیته عربی حقوق بشر نظارت می‌شود که بر مبنای گزارش‌های ادواری دولت‌ها عمل کرده و فاقد صلاحیت صدور آراء الزام‌آور یا رسیدگی به شکایات فردی است (AlTamimi, 2015; Mégret, 2019). بنابراین، ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در چارچوب این منشور ماهیتی اصلاحی دارد و به طور عمده بر پایبندی داوطلبانه دولت‌ها متکی است.

---

1. Organization of Islamic Cooperation [OIC], 1990, Art. 19).
2. He shall remain innocent until his guilt is proven in a fair trial that assures him all guarantees of defense." (OIC, 1990).
3. Organization of Islamic Cooperation [OIC], 1990, Art. 19
4. He shall remain innocent until his guilt is proven in a fair trial that assures him all guarantees of defense." (OIC, 1990).
5. United Nations, Treaty Series,2008
6. League of Arab States [LAS], 200
7. United Nations, Treaty Series,2008
8. League of Arab States [LAS], 2004, Art. 16(1), (3), (6).

در سطح سازمان همکاری اسلامی، منشور حقوق بشر سازمان همکاری اسلامی (۲۰۲۰) جدیدترین سند منطقه‌ای است که تلاش دارد مفاد اعلامیه قاهره را با اصول جدیدتر حقوق بین‌الملل تطبیق دهد. این منشور در ماده ۲۰ بر حق مراجعه هر شخص به دادگاه‌های صلاحیت‌دار ملی و برخورداری از محاکمه‌ای عادلانه، علنی و نزد دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف تأکید می‌کند، اما بدون اشاره به نهاد وکیل یا حق استفاده از مترجم.[1] در متن عربی نیز همین مضمون آمده است: «لکل شخص الحق فی اللجوء إلی المحاکم الوطنیة المختصة... وله الحق فی محاکمات عادلة وعلنیة أمام محاکم مستقلة ومحایدة». از این رو، اگرچه منشور ۲۰۲۰ نسبت به اعلامیه قاهره گام تفسیری پیشرفته‌تری برداشته، ولی همچنان فاقد تصریح روشن به معاضدت حقوقی رایگان است و تعهدی اجرایی برای دولت‌ها در این زمینه ایجاد نمی‌کند (Bassiouni, 2021).

جمع‌بندی آنکه، در میان اسناد حقوق بشری وابسته به جهان اسلام، تنها منشور عربی حقوق بشر (۲۰۰۴) حق برخورداری از وکیل تسخیری و مترجم را به‌طور صریح شناسایی کرده و برای دولت‌ها الزام‌آور نموده است؛ اعلامیه قاهره (۱۹۹۰) و منشور OIC ,2020) صرفاً به اصول کلی عدالت قضایی و حق دفاع اکتفا کرده‌اند و فاقد ضمانت اجرای مؤثر در حوزه معاضدت قضایی هستند. از نظر نهادی نیز، هیچ‌یک از این اسناد دادگاه یا کمیسیونی با صلاحیت قضایی الزام‌آور ندارند و مکانیسم‌های نظارتی موجود، نظیر کمیته عرب حقوق بشر، بیشتر مبتنی بر گفت‌وگو و توصیه است (Alston & Goodman, 2023; Nowak, 2019). به همین دلیل، نظام حقوق بشری اسلامی در مقایسه با نظام‌های منطقه‌ای اروپا و آمریکای لاتین هنوز در مرحله تثبیت معیارهای الزام‌آور در زمینه معاضدت قضایی و تضمین حق وکیل و مترجم قرار دارد.

بررسی تطبیقی ضمانت اجرای معاضدت قضایی (حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی کیفری ایران با اسناد حقوق بشر منطقه‌ای

در این قسمت به بررسی تطبیقی ضمانت اجرای معاضدت قضایی (حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم) در آیین دادرسی کیفری ایران، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نظام بین‌آمریکایی، نظام آفریقایی و اسناد حقوق بشری کشورهای اسلامی با تأکید بر ضمانت اجرای نقض حق وکیل و مترجم پرداخته می‌شود.

وجوه اشتراک

نخستین وجه اشتراک میان آیین دادرسی کیفری ایران و نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، شناسایی حق دسترسی به وکیل و مترجم به‌عنوان یکی از عناصر بنیادین دادرسی عادلانه است. در حقوق ایران، این حق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌ویژه در ماده ۱۹۰ در مرحله تحقیقات مقدماتی و مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ در مرحله دادرسی، به‌صورت صریح پیش‌بینی شده است(قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مواد ۱۹۰، ۳۴۷ و ۳۴۸). همچنین حق استفاده از مترجم در موارد ناتوانی زبانی یا گفتاری، در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ و در مرحله رسیدگی در دیوان عالی کشور در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ همان قانون مورد تصریح قرار گرفته است (همان، مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸). به‌طور مشابه، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۶ بند ۳، حق بهره‌مندی از وکیل و مترجم رایگان را به‌عنوان تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه شناسایی کرده است (Pasqualucci, 2013). کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز در ماده ۸ بند ۲ به همین حقوق تصریح دارد.[2] در نظام آفریقایی، اگرچه منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها تصریح لفظی محدودی دارد، اما کمیسیون آفریقایی حقوق بشر این حقوق را از لوازم دادرسی منصفانه دانسته

[1] . OIC, 2020, Art. 20
[2] . American Convention on Human Rights, art. 8(2).

است(منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، ماده ۷).[1] در اسناد حقوق بشری اسلامی نیز، از جمله اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام، اصل حق دفاع و رسیدگی عادلانه به‌عنوان مبنای هنجاری مشترک پذیرفته شده است(اعلامیه قاهره حقوق بشر در اسلام، مواد ۱۹—۲۰).[2]

وجه اشتراک دوم، پیوند مفهومی این حقوق با اعتبار دادرسی است. در همه این نظام‌ها، دسترسی مؤثر به وکیل و مترجم شرط تحقق دفاع واقعی و مشارکت آگاهانه متهم در فرایند دادرسی تلقی می‌شود. در حقوق ایران، نقض حق مترجم موجب بی‌اعتباری اظهارات و امکان نقض رأی می‌شود و این امر به‌طور ضمنی از مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود. در نظام‌های اروپایی و بین‌آمریکایی نیز، محرومیت از وکیل یا مترجم، در صورتی که بر انصاف کلی دادرسی اثر بگذارد، نقض دادرسی عادلانه تلقی می‌شود(دیوان اروپایی حقوق بشر، سالدوُز علیه ترکیه، رأی ۲۷ نوامبر ۲۰۰۸ (هیأت عالی)، درخواست شماره ۰۲/۳۶۳۹۱.).[3]

وجوه افتراق

مهم‌ترین وجه افتراق میان آیین دادرسی کیفری ایران و نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، ماهیت و شدت ضمانت اجرای نقض حق وکیل است. در حقوق ایران، مطابق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری پس از اصلاحیه ۱۳۹۴، عدم تفهیم حق وکیل یا جلوگیری از حضور او، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و ضمانت اجرای آن به مجازات انتظامی درجه سه یا هشت برای مقام قضایی محدود شده است (قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴، ماده ۱۹۰). این در حالی است که پیش از اصلاحیه، بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۹۰ و ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و نیز ماده واحده مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنین نقضی موجب بی‌اعتباری تحقیقات و احکام صادره می‌شد (ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۰). در مقابل، در نظام اروپایی، دیوان اروپایی حقوق بشر محرومیت از دسترسی به وکیل در مراحل اولیه تحقیقات را اصولاً نقض خودکار ماده ۶ کنوانسیون می‌داند و این نقض، بدون نیاز به اثبات ضرر خاص، کل فرایند دادرسی را مخدوش می‌کند(سالدوُز علیه ترکیه، ۲۰۰۸؛ابراهیم و دیگران علیه بریتانیا، ۲۰۱۶.).[4] (در نظام بین‌آمریکایی نیز، نقض حق وکیل به بی‌اعتباری دادرسی و مسئولیت بین‌المللی دولت منتهی می‌شود و دیوان دولت‌ها را به تجدید دادرسی و جبران خسارت ملزم می‌کند (هررا اولوا علیه کاستاریکا، ۲۰۰۴).[5]

وجه افتراق دوم، تفاوت در ضمانت اجرای نقض حق مترجم است. در حقوق ایران، عدم تعیین مترجم برای متهم یا اصحاب دعوا که زبان فارسی را نمی‌فهمند یا قادر به تکلم نیستند، موجب بی‌اعتباری اظهارات و قابلیت نقض رأی می‌شود و این امر از مفاد مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود. در نظام اروپایی، دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرده است که حق مترجم صرفاً ناظر به ترجمه شفاهی نیست، بلکه ترجمه مؤثر اسناد اساسی پرونده را نیز دربر می‌گیرد و هر نقص مؤثر در این زمینه نقض ماده ۶ کنوانسیون محسوب می‌شود (کـاماسینسکی علیه اتریش، ۱۹۸۹).[6] در نظام بین‌آمریکایی نیز، فقدان مترجم یا ناکارآمدی ترجمه به‌عنوان نقض جدی حق دفاع تلقی شده و مستوجب اعلام نقض و اقدامات ترمیمی است(لوپس آلوارس علیه هندوراس، ۲۰۰۶).[7] می‌شد (ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۰). در مقابل، در نظام اروپایی، دیوان اروپایی حقوق بشر محرومیت از دسترسی به وکیل در مراحل اولیه تحقیقات را اصولاً

1. African Charter on Human and Peoples' Rights, art. 7; African Commission jurisprudence
2. Cairo Declaration on Human Rights in Islam, arts. 19–20).
3. ECtHR, Salduz v. Turkey, 2008؛ IACtHR, Castillo Petruzzi v. Peru, 1999
4. ECtHR, Salduz v. Turkey, 2008؛ Ibrahim and Others v. UK, 2016.
5. IACtHR, Herrera Ulloa v. Costa Rica, 2004).
6. ECtHR, Kamasinski v. Austria, 1989
7. IACtHR, López

نقض خودکار ماده ۶ کنوانسیون می‌داند و این نقض، بدون نیاز به اثبات ضرر خاص، کل فرایند دادرسی را مخدوش می‌کند(سالدوُز علیه ترکیه، ۲۰۰۸؛ ابراهیم و دیگران علیه بریتانیا، ۲۰۱۶).[1] در نظام بین‌آمریکایی نیز، نقض حق وکیل به بی‌اعتباری دادرسی و مسئولیت بین‌المللی دولت منتهی می‌شود و دیوان دولت‌ها را به تجدید دادرسی و جبران خسارت ملزم می‌کند (هررا اولوا علیه کاستاریکا،۲۰۰۴).[2]

وجه افتراق دوم، تفاوت در ضمانت اجرای نقض حق مترجم است. در حقوق ایران، عدم تعیین مترجم برای متهم یا اصحاب دعوا که زبان فارسی را نمی‌فهمند یا قادر به تکلم نیستند، موجب بی‌اعتباری اظهارات و قابلیت نقض رأی می‌شود و این امر از مفاد مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری استنباط می‌شود. در نظام اروپایی، دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرده است که حق مترجم صرفاً ناظر به ترجمه شفاهی نیست، بلکه ترجمه مؤثر اسناد اساسی پرونده را نیز دربر می‌گیرد و هر نقص مؤثر در این زمینه نقض ماده ۶ کنوانسیون محسوب می‌شود(کاماسینسکی علیه اتریش، ۱۹۸۹).[3] در نظام بین‌آمریکایی نیز، فقدان مترجم یا ناکارآمدی ترجمه به‌عنوان نقض جدی حق دفاع تلقی شده و مستوجب اعلام نقض و اقدامات ترمیمی است(لوپس آلوارس علیه هندوراس،۲۰۰۶).[4] در نظام آفریقایی، هرچند ضمانت اجرای ابطالی صریح وجود ندارد، اما کمیسیون آفریقایی دولت‌ها را به اصلاح رویه‌ها و تضمین دسترسی مؤثر به مترجم ملزم دانسته است (کمیسیون آفریقایی، اصول و رهنمودهای دادرسی منصفانه، ۲۰۰۳).[5]

در مجموع، آیین دادرسی کیفری ایران از حیث شناسایی حق بهره‌مندی از وکیل و مترجم، در سطح هنجاری با استانداردهای بین‌المللی همسو است؛ اما از نظر ضمانت اجرای نقض این حقوق، به‌ویژه در حوزه حق وکیل، با کاستی جدی مواجه است. در حالی که در نظام‌های اروپایی و بین‌آمریکایی، نقض حق وکیل و مترجم مستقیماً به بی‌اعتباری دادرسی و مسئولیت دولت می‌انجامد، در حقوق ایران ضمانت اجرای نقض حق وکیل پس از اصلاحیه ۱۳۹۴ عمدتاً به سطح انتظامی تنزل یافته و اثر ابطالی مؤثری ندارد. در مقابل، ضمانت اجرای نقض حق مترجم در حقوق ایران همچنان از استحکام بیشتری برخوردار است و به امکان نقض رأی منتهی می‌شود. این مقایسه نشان می‌دهد که شکاف اصلی میان حقوق ایران و نظام‌های پیشرفته منطقه‌ای، نه در شناسایی حق معاضدت قضایی، بلکه در شدت و کارآمدی ضمانت اجرای نقض آن، به‌ویژه در حوزه حق دسترسی به وکیل، قرار دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی حق بهره‌مندی رایگان از خدمات وکیل و مترجم در آیین دادرسی کیفری ایران و نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که از نظر هنجاری، حقوق ایران در سطح شناسایی و تصریح قانونی با استانداردهای جهانی هم‌راستا است. مواد ۱۹۰، ۳۴۷، ۳۴۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، همراه با اصول قانون اساسی، مبانی الزام‌آور این حق را در چارچوب داخلی ایجاد کرده‌اند. در این سطح، مقررات ایران مشابه ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اصول منشور آفریقایی و مواد ۱۹ و ۲۰ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام است که همگی دسترسی مؤثر به وکیل و مترجم را جزو عناصر بنیادین دادرسی منصفانه می‌دانند.

1. ECtHR, Salduz v. Turkey, 2008؛ Ibrahim and Others v. UK, 2016
2. IACtHR, Herrera Ulloa v. Costa Rica, 2004
3. ECtHR, Kamasinski v. Austria, 1989
4. IACtHR, López Álvarez v. Honduras, 2006
5. African Commission, Principles and Guidelines on the Right to a Fair Trial .

با این حال، فاصله اصلی ایران با استانداردهای پیشرفته بین‌المللی در بخش ضمانت اجرا آشکار می‌شود. در حوزه حق وکیل، ایران پس از اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴، ضمانت اجرای نقض را عمدتاً به تخلف انتظامی مقام قضایی تقلیل داده و اثر ابطالی مستقیم را حذف کرده است؛ در حالی که دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌آمریکایی، محرومیت غیرموجه از وکیل را اصولاً موجب بی‌اعتباری دادرسی و مسئولیت بین‌المللی می‌دانند و آن را با اقدامات ترمیمی الزامی چون تجدید دادرسی، جبران خسارت و اصلاح ساختاری پاسخ می‌دهند.

در حوزه حق مترجم، رویکرد ایران همچنان نزدیک به استانداردهای بالای بین‌المللی است. عدم تعیین مترجم مؤثر، طبق مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸، بی‌اعتباری اظهارات و امکان نقض رأی را در پی دارد. این ضمانت اجرا، مشابه رویکرد دیوان اروپایی در پرونده کاماژینسکی و رویکرد دیوان بین‌آمریکایی در دعوای لوپز آلوارز، واجد اثر ابطالی و ترمیمی بر فرایند دادرسی است. در نظام آفریقایی نیز هرچند ضمانت ابطالی صریح وجود ندارد، اما الزام به اصلاح رویه و تضمین ترجمه مؤثر در نتیجه بررسی‌های کمیسیون مطرح شده است.

نتیجه نهایی این است که ایران در زمینه شناسایی حق معاضدت قضایی با اسناد معتبر منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ است، ولی در بخش ضمانت اجرای حق وکیل، از مدل‌های اروپایی و بین‌آمریکایی فاصله گرفته و با رویکردی عمدتاً انتظامی، اثر بازدارنده و ترمیمی نظام‌های پیشرفته را ندارد. در مقابل، ضمانت اجرای حق مترجم در ایران استحکام بیشتری داشته و با معیارهای بین‌المللی هم‌خوان‌تر است. برای رسیدن به استانداردهای کامل دادرسی عادلانه، بازنگری در ضمانت اجرای حق وکیل و بازگشت به ضمانت‌های ابطالی و ترمیمی مشابه پیش از اصلاحیه ۱۳۹۴، به همراه تقویت سازوکارهای نظارت اجرایی، ضروری است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The right to judicial assistance constitutes one of the core guarantees of procedural justice within modern criminal justice systems. Contemporary conceptions of fair trial standards emphasize that equality of arms between the prosecution and the accused cannot be achieved without effective access to legal counsel and linguistic assistance. Judicial assistance therefore operates not merely as a procedural facility but as a substantive human right ensuring meaningful participation of defendants in criminal proceedings. International and regional human rights instruments have progressively transformed these guarantees into binding legal obligations imposed upon states. The European human rights framework recognizes access to counsel and interpreter services as minimum guarantees of fair trial under Article 6 of the European Convention on Human Rights, linking them directly to the legitimacy of criminal adjudication (Nowak, 2019). Similarly, doctrinal scholarship emphasizes that judicial assistance begins from the earliest contact between the individual and the criminal justice apparatus and must remain free from interference by public authorities (Ghorbani, 2011). The evolution of these guarantees demonstrates a shift from formal recognition toward effectiveness-oriented enforcement mechanisms. Comparative legal scholarship

identifies judicial assistance as a structural safeguard necessary to prevent coercion, misunderstanding, and imbalance during investigative stages, where evidentiary foundations are typically formed (Davies, 2017). Within the Iranian legal system, legislative reforms—particularly the adoption of the 2013 Code of Criminal Procedure—formally incorporated the right to counsel and interpreter services into domestic law; however, debates persist regarding the adequacy of enforcement mechanisms following subsequent amendments (Habibi, 2020). The conceptual distinction between recognized rights and enforceable rights therefore emerges as the central analytical problem guiding comparative examination. This study situates Iranian criminal procedure within broader regional human rights regimes—including European, Inter-American, African, and Islamic frameworks—to evaluate whether enforcement guarantees surrounding judicial assistance effectively protect defendants' procedural autonomy and defense capacity (Mahdavi, 2021).

The conceptual framework underlying judicial assistance rests upon the premise that fair trial rights require enforceable remedies capable of deterring violations and restoring procedural equality. Comparative legal analysis generally categorizes enforcement guarantees into preventive, remedial, and structural forms. Preventive guarantees aim to discourage violations through exclusion of unlawfully obtained evidence or annulment of proceedings, while remedial guarantees attempt to restore fairness after violations occur through retrials or compensatory measures. Structural guarantees extend beyond individual cases and require institutional reforms designed to prevent systemic repetition of violations (Davies, 2017). European human rights jurisprudence has been particularly influential in expanding these categories by interpreting access to counsel as indispensable from the earliest stages of police interrogation, emphasizing that denial of legal assistance at this stage undermines the fairness of the entire process. The obligation to provide interpreter services likewise evolved into a qualitative requirement, obliging states to ensure comprehension of accusations and participation in proceedings rather than mere formal translation. Iranian criminal procedure law reflects partial convergence with these developments by recognizing both rights legislatively; nevertheless, the effectiveness of enforcement remains contested, particularly after legislative amendments that replaced invalidation-based remedies with disciplinary sanctions imposed on judicial authorities (Nourbaha, 2021). From a theoretical perspective, enforcement guarantees function as the operational dimension of fundamental rights; without them, recognition remains symbolic rather than transformative. Accordingly, comparative analysis seeks to determine whether Iran's model aligns more closely with administrative accountability systems or rights-protective adjudicatory models emphasizing procedural invalidity and restorative justice.

Within Iranian criminal procedure, the right to legal counsel and interpreter services is formally embedded across multiple statutory provisions designed to secure defense rights. Defendants possess the right to select counsel and, where financial incapacity exists, courts must appoint legal representation at state expense. Access to case files and participation of defense lawyers are also legally acknowledged, demonstrating normative compliance with international standards. However, legislative reform in 2015 significantly altered the enforcement mechanism attached to violations of the right to counsel. Whereas earlier legal provisions treated deprivation of counsel as grounds for invalidating investigative proceedings and judicial decisions, the amended framework primarily limits consequences to disciplinary liability imposed upon judges responsible for violations. Scholars have criticized this shift for weakening deterrence and creating a discrepancy between normative recognition and practical enforceability (Nourbaha, 2021). In contrast, Iranian law maintains comparatively stronger guarantees concerning interpreter services. Failure to appoint an interpreter

where linguistic incapacity exists may invalidate statements and judicial outcomes, reflecting a procedural safeguard closer to European jurisprudential standards (Taha & Ashrafi, 2007). This internal asymmetry between counsel and interpreter rights illustrates the broader tension within Iranian criminal procedure: although both rights are recognized as essential components of defense, their enforcement mechanisms differ substantially in intensity and legal consequences. The Iranian model therefore demonstrates partial alignment with global fair trial principles while revealing structural gaps in the protection of access to legal representation.

The European human rights system represents the most developed model of enforcement concerning judicial assistance. The European Court of Human Rights interprets denial of access to counsel during initial detention as an automatic violation of fair trial guarantees unless strictly justified by exceptional circumstances. Jurisprudence emphasizes immediacy of access, recognizing early interrogation as the decisive moment shaping defense strategy and evidentiary outcomes (Lutz, 2018). The Court evaluates violations not solely in formal terms but through their practical impact on overall fairness, frequently linking infringement of defense rights to the invalidity of criminal proceedings. Interpreter rights receive similarly robust protection. The Court has clarified that translation must enable genuine comprehension of accusations and procedural developments, extending beyond oral interpretation to essential documentary translation where necessary (Saber, 2009). These enforcement mechanisms operate preventively by discouraging procedural violations and remedially by requiring retrial or annulment when fairness is compromised. Comparative scholarship further notes that European jurisprudence obliges states to eliminate structural barriers to effective defense participation, thereby reinforcing public confidence in criminal justice systems (Ghorbanzadeh, 2015). The European approach thus exemplifies a rights-centered enforcement model in which violations directly affect procedural validity rather than merely triggering administrative sanctions.

The Inter-American human rights system adopts a similarly robust yet structurally oriented approach to judicial assistance. Under Article 8 of the American Convention on Human Rights, access to counsel and interpreter services constitutes an essential condition of due process from the earliest stages of deprivation of liberty. The Inter-American Court consistently treats denial of effective legal or linguistic assistance as a substantive violation undermining the legitimacy of criminal adjudication. Unlike purely declaratory systems, the Court typically orders comprehensive reparations including retrials, compensation, legislative reform, and institutional training programs designed to prevent recurrence of violations (González, 2019). This structural dimension distinguishes the Inter-American model from European practice by emphasizing transformation of domestic legal systems rather than solely correcting individual cases. In contrast, the African human rights framework relies primarily on interpretive expansion by the African Commission, which derives judicial assistance obligations from general fair trial guarantees despite the absence of explicit textual provisions. Enforcement outcomes in this system tend to be declaratory and corrective rather than invalidating, relying on normative pressure and policy reform recommendations (Zhang, 2009). Islamic regional human rights instruments display even greater diversity. The Cairo Declaration articulates general fair trial principles without explicit recognition of counsel or interpreter rights, while the Arab Charter on Human Rights provides clearer recognition but limited enforcement capacity due to the absence of binding judicial mechanisms (AlTamimi, 2015; Bassiouni, 2021; Evans, 2012; Mégret, 2019). Comparative evaluation therefore reveals a spectrum ranging from invalidation-based enforcement (Europe), structural-remedial

enforcement (Inter-American system), declaratory-reformist enforcement (African framework), and predominantly normative recognition without strong remedies (Islamic instruments).

In conclusion, comparative analysis demonstrates that Iranian criminal procedure aligns with regional and international systems at the level of normative recognition of judicial assistance rights but diverges significantly in enforcement design. While European and Inter-American systems treat violations of access to counsel as defects capable of invalidating proceedings and triggering structural remedies, Iranian law increasingly relies on administrative disciplinary measures that do not directly restore procedural fairness. Conversely, enforcement guarantees surrounding interpreter services in Iran remain comparatively strong and closer to international models emphasizing procedural validity. The overall comparative pattern suggests that the principal challenge facing Iranian criminal justice lies not in recognizing fundamental defense rights but in strengthening their remedial consequences to ensure effective protection. Moving toward an enforcement model grounded in procedural invalidation and restorative mechanisms would narrow the gap between formal legal guarantees and practical realization of fair trial standards. Such reform would enhance equality of arms, reinforce legitimacy of judicial outcomes, and harmonize domestic criminal procedure with evolving global human rights jurisprudence.

References

Alston, P., & Goodman, R. (2023). *International Human Rights* (3rd ed.). Oxford University Press.

AlTamimi, J. (2015). The Arab Charter on Human Rights and the Arab Human Rights Committee: A normative leap or a mirage? *Arab Law Quarterly*, *29*(3), 201-225.

Bassiouni, M. C. (2021). *Islamic human rights and international law (A critical perspective)* (1th ed.). Publishers Brill.

Burgorgue-Larsen, L., & Úbeda de Torres, A. (2011). *The Inter-American Court of Human Rights Case Law and Commentary* (1th ed.). Oxford University Press.

Davies, M. (2017). *Law and the Right to a Fair Trial: Equality of Arms and Access to Counsel* (1th ed.). Oxford University Press.

Evans, M. (2012). *Manual on the Muslim human rights system* (1th ed.). Publishers Interights.

Ghorbani, A. (2011). *Fair Trial in the Practice of the European Court of Human Rights*. Hoghoogh-e Emrouz Publications.

Ghorbanzadeh, S. (2015). The Right of Access to a Lawyer at the Trial Stage in Iranian Criminal Law. First International Comprehensive Congress of Law, Tehran.

González, F. (2019). The Right to Legal Assistance and Fair Trial under the Inter-American System. *Human Rights Law Journal*, *39*(1), 56-78.

Habibi, M. (2020). Analysis of the Defense Rights of the Accused in the Preliminary Investigation Phase with Emphasis on the Right to Have a Lawyer. *Journal of Criminal Law Research*, *7*(2), 89-112.

Lutz, H. (2018). *International Criminal Law A Textbook* (1th ed.). Oxford University Press.

Mahdavi, H. (2021). The Right to a Fair Trial in the Regional Human Rights System with Emphasis on Access to a Lawyer in the Preliminary Investigation Phase. *Comparative Law Quarterly*, *12*(3), 45-72.

Medina Quiroga, C. (2003). *The Battle of Human Rights Gross-Systematic Violations and the Inter-American System* (1th ed.). Martinus Nijhoff Publishers.

Mégret, F. (2019). Regional human rights systems and their implementation in the Arab world. In *Research Handbook on International Human Rights Law* (2nd ed.). Publishers Edward Elgar.

Nourbaha, R. (2021). *Principles and Fundamentals of General Criminal Law* (Twenty-eighth Edition ed.). Ganj-e Danesh Publications.

Nowak, M. (2019). *U.N. Covenant on Civil and Political Rights CCPR Commentary* (3rd ed.). N.P. Engel Verlag.

Pasqualucci, J. M. (2013). *The Practice and Procedure of the Inter-American Court of Human Rights* (2nd ed.). Cambridge University Press. https://doi.org/10.1017/CBO9780511843884

Saber, M. (2009). Criteria and Guarantees of Fair Trial in the Investigation Phase. *Comparative Law Research*, *13*(4), 143-175.

Taha, F., & Ashrafi, L. (2007). *Fair Trial* (Third Edition ed.). Mizan Publications.

Zhang, J. (2009). Fair Trial Rights in ICCPR. *Journal of Politics and Law*, *2*(4), 39-44. https://doi.org/10.5539/jpl.v2n4p39